

## امام حسین<sup>(ع)</sup> و اصحابش تاریخ را نجات دادند

می‌خواهم از روی مقتل «ابن طاووس» –کتاب «لهوف»– یک چند جمله ذکر مصیبت کنم و چند صحنه از این صحنه‌های عظیم را برای شما عزیزان بخوانم. این مقتل، مقتل بسیار معتبری است. این سیدبن طاووس فقیه است، عارف است، بزرگ است، صدوق است، موثق است، مورد احترام همه است. ایشان نخستین مقتل بسیار معتبر و موثر را نوشت. البته قبل از ایشان مقاتل زیادی است اما وقتی لهوف آمد، تقریباً همه آن مقاتل، تحت‌الشعاع قرار گرفت. این مقتل بسیار خوبی است؛ چون عبارات، خیلی خوب و دقیق و خلاصه انتخاب شده است. من حالا چند جمله از اینها را می‌خوانم...

یک منظره دیگر، منظره میدان رفتن علی‌اکبر علیه‌السلام است که یکی از آن مناظر بسیار پرماجرا و عجیب است. واقعا عجیب است؛ از همه طرف عجیب است. از جهت خود امام حسین عجیب است؛ از جهت این جوان – علی‌اکبر – عجیب است؛ از جهت زنان و بویژه جناب زینب کبرا عجیب است. راوی می‌گوید این جزو زیباترین جوانان عالم بود؛ زیبا، رشید، شجاع. «فاستاد ابان فی القتال»؛ از پدر اجازه گرفت که برود بجنگد. «فاذن له»؛ حضرت بدون ملاحظه اذن داد. درباره «قاسمبن‌الحسن»، حضرت اول اذن نمی‌داد و بعد مقداری التماس کرد، تا حضرت اذن داد اما «علی‌بن‌الحسن» که آمد، چون فرزند خودش است، تا اذن خواست، حضرت فرمود بـرو. «ثمّ نظر الیه نظر یائس منته»؛ نگاه نومیدانه‌ای به این جوان کرد که به میدان می‌رود و دیگر بر نخواهد داشت. «و ارحی علیه‌السلام عینه و بکی»؛ چشمش را رها کرد و بنا کرد به اشک ریختن.

یکی از خصوصیات عاطفی دنیای اسلام همین است؛ اشک ریختن در حوادث و پدیده‌های عاطفی. شما در قضایا زیاد می‌بینید که حضرت گریه کرد. این گریه، گریه جزع نیست؛ این همان شدت عاطفه است؛ چون اسلام این عاطفه را در فرد رشد می‌دهد. حضرت بنا کرد به گریه کردن، بعد این جمله را فرمود که همه شنیده‌اند: «اللهم اشهد»؛ خدایا خودت گواه باش. «فقد برز الیهم غلام»؛ جوانی به سمت اینها برای جنگ رفته است که «شبه الناس خلقا و خلقا و منطقا برسولک».

یک نکته در اینجا هست که من به شما عرض کنم، ببینید؛ امام حسین(ع) در دوران کودکی محبت پیامبر بود؛ خود او هم پیامبر را بی‌نیاهت دوست می‌داشت. حضرت ۶-۷ ساله بود که پیامبر از دنیا رفت. چهره پیامبر، به صورت خاطره بی‌زوالی در ذهن امام حسین(ع) مانده است و عشق به پیامبر به دل او هست. بعد خدای متعال، علی‌اکبر را به امام حسین(ع) می‌دهد. وقتی این جوان بزرگ می‌شود، پایه حد بلوغ می‌رسد، حضرت می‌بیند چهره درست چهره پیامبر است؛ همان قیافه‌ای که اینقدر به او علاقه داشت و اینقدر عاشق او بود، حالا این به جد خودش شبیه شده است. حرف می‌زند، صدا شبیه صدای پیامبر است. حرف زدن، شبیه حرف زدن پیامبر است. اخلاق، شبیه اخلاق پیامبر است؛ همان بزرگواری، همان کرم و همان شرف. بعد اینگونه می‌فرماید: «کتنا اذا اشتدنا الی نَبِیکَ نظرا تا الیه»؛ هر وقت دل‌مان برای پیامبر تنگ می‌شد، به این جوان نگاه می‌کردیم اما این جوان هم به میدان رفت. «فصاح و قال یابن سعد! قطع‌الله رجُمکَ کما قطعُت رجُمی»؛ بعد نقل می‌کند که من حضرت به میدان رفت و جنگ بسیار شجاعانه‌ای کرد و عده زیادی از افراد دشمن را تارومار کرد؛ بعد برگشت و گفت تشنه‌ام. دوباره به طرف میدان رفت. وقتی که اظهار عطش کرد، حضرت بـه او فرمودند: عزیزم! یک مقدار دیگر بجنگ؛ طولی نخواهد کشید که از دست جدت پیامبر سیراب خواهی شد. وقتی امام حسین این جمله را به علی‌اکبر فرمود، علی‌اکبر در آن لحظه آخر، صدایش بلند شد و عرض کرد: «یا اباعلیک‌السلام»؛ پدرم! خداحافظ. «هنذا جدی رسول‌الله یقرئک التّلام»؛ این جد پیامبر است که به تو سلام می‌فرستد. «و یقول عجل القدوم علینا»؛ می‌گوید بیا به سمت ما.

اینها منظرهای عجیب این ماجرای عظیم است و امروز هم که روز جناب زینب کبرا سلام‌الله علیهاست. آن بزرگوار هم ماجراهای عجیبی دارد. حضرت زینب، آن کسی است که از لحظه شهادت امام حسین(ع)، این بار امانت را بر دوش گرفت و شجاعانه و با کمال اقتدار، آنچنان که شایسته دختر امیرالمؤمنین است، در این راه حرکت کرد. اینها توانستند اسلام را جاودانه و دین مردم را حفظ کنند. ماجرای امام حسین، نجات‌بخشی یک ملت نبود، نجات‌بخشی یک امت نبود؛ نجات‌بخشی یک تاریخ بود. امام حسین(ع)، خواهرش زینب و اصحاب و دوستانش، با این حرکت، تاریخ را نجات دادند.

**سیدعلی حسینی خامنه‌ای**  
 بیانات در خطبه‌های نماز جمعه – ۱۳۷۷/۲/۱۸

**حضرت امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup>:**

نه پاکدامنی، روزی را از انسان دور می‌کند و نه حرص روزی زیاد می‌آورد، چون روزی قسمت‌شد شده است و حرص زدن باعث مبتلا شدن به گناهان می‌شود.

**روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی**

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
 مدیرعامل: رضا شکیبانی  
 سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹  
 روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۲ | فکس: ۶۶۴۱۳۷۲۳ | ایمان‌ساز: vatanemروز.ir | پست الکترونیک: info@vatanemروز.ir | چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

چگونه هنرمند ایرانی می‌تواند صدای مظلومیت مردم ایران در جهان باشد؟

# نوبت پیام‌رسانی هنرمندان



هنرمندان ایرانی در رشته‌های مختلف هنری از جمله موسیقی، انیمیشن، فیلم کوتاه و کاریکاتور در جهان شناخته شده‌اند. هر کدام از هنرمندان می‌توانند به کمک ظرفیت‌های رسانه‌ای، رویندهایی برون‌مرزی طراحی و هدایت کنند. کافی است دستگاه‌های دولتی دواورادو از آنها حمایت کنند یا حداقل به جهت هدایت ایده‌های فرهنگی، گردهمایی‌هایی با حضور هنرمندان و صاحبان ایده بر گزار شود. دستگاه حکمرانی فرهنگی این بار در آزمون دیگری برای تعامل هنرمندان قرار دارد و می‌تواند با اعتماد به جریان‌های مختلف هنری، فرصتی را فراهم کند تا هنرمند ایرانی با خلاقیت و ظرافت خاصه خود، تریبون‌های دادخواهی ملت ایران را طراحی کند.

■ **دست بالای هنرمند ایرانی در دنیا**

هنرمندان ایرانی خوب می‌دانند در این فقره‌ای که رخ داد، قوای استدلالی کم ندارند. شاید درباره اتفاقاتی که طی چند سال اخیر رخ داده است، سوءتفاهمی بین حاکمیت و هنرمندان پیش آمده و در برخی مواقع هنرمند ایرانی از کنشگری مستقیم پرهیز کرده است و احتمالا برای این افعال توجیهاتی برترشاند اما این بار قضیه خیلی فرق می‌کند. در حالی که مردان موسیقی طی یک فرآیند دیپلماتیک مشغول مذاکره بودند، کشور ما مورد حمله دشمنی قرار گرفت که اکنون منفورترین رژیم سیاسی نظامی در بین مردم جهان است. حتی رسانه‌های غربی بارها تاکید کرده‌اند که ایران بر پایه یک دروغ مورد حمله قرار گرفته است. وقتی چنین ظلمی بر ملت و کشور ما روا شده است، چرا نباید هنرمند ایرانی با سری بلند در پیشگاه مردم جهان فریاد دادخواهی سر دهد. هنرمند ایرانی فارغ از اینکه نسبت به جان‌های از دست رفته در خاک ایران وظیفه دارد، به جهت تهییج عواطف انسانی در تریبون‌های جهانی هم حرف برای گفتن دارد. برای نابود کردن عرابان جنایتی که رخ داده، کار پیچیده‌ای هم نباید بکنند. کافی است تصویر و لیست زنان و کودکانی که توسط دستگاه کشتار اسرائیلی به قتل رسیده‌اند را مقابل گوش‌ها و چشم‌های جهانیان قرار دهند.

■ **کار گروهی برای رساندن صدای حقانیت ملت**

ما مجبور می‌توانیم صدای حقانیت مردم ایران در جنگ تحمیلی دوم را به گوش مردم سایر نقاط دنیا برسانیم و این کار نه‌اینها چه تاثیری خواهد داشت؟ تهیه‌کننده «شیر ۱۴۳»، اواخر دهه ۹۰ در مصاحبه‌ای می‌گفت وقتی این فیلمش را به جشنواره‌ای در کاردجوپی برده، دیده است خیلی‌ها به تعجب می‌پرستند مگر در ایران چنین شده بود؟ واقعا عجیب است که در ایران جنگی به این بزرگی و تا این حد طولانی رخ داده و کسانی که جزو الیت این کشور می‌باشند، هیچ‌کدام از این مسائل را در نظر نمی‌گیرند. این موضوع را می‌توان به دو دلیل اصلی تقسیم کرد. اول، عدم آشنایی مردم ایران با سیر تاریخی و فرهنگی این کشور. دوم، عدم آشنایی مردم ایران با سیر تاریخی و فرهنگی این کشور. در حالی که مردم ایران با سیر تاریخی و فرهنگی این کشور آشنا هستند، اما به دلایل مختلفی، به خصوص عدم آشنایی با سیر تاریخی و فرهنگی این کشور، به درک عمیق آن دست نیافته‌اند. این موضوع را می‌توان به دو دلیل اصلی تقسیم کرد. اول، عدم آشنایی مردم ایران با سیر تاریخی و فرهنگی این کشور. دوم، عدم آشنایی مردم ایران با سیر تاریخی و فرهنگی این کشور.

«کاطم مردم! خطاب به «مردم» بنویس! بگو هر چی بزنی ما هم جواب می‌دیم. یه چی بگو داشون قرص شه، بگو نترسن. این سر و صداها بیشتترش واسه نفوذایس. بگو «خدا هوامونو دارم». کاطم پیچیدم‌اش نکن. ساده و صریح بنویس که همه «مردم» بفهمن.»

ساعت ۷ صبح... کار من تموم شده بود. کف اتاق (استودیو) دراز به دراز افتاده بودم و چشم‌ام داشت بسته می‌شد. از فشار

چگونه باید روحیه مردم ایران را آماده نبرد با دشمنان نگه داشت

## پاسداری از امید اجتماعی

را تجربه کرد که نشان دهنده گرمایی درونی و عمیق بود. اما درست در همین نقطه، جایی است که خطر آغاز می‌شود. دشمنان این مردم خوابی می‌دانند که اگر نتوانستند جامعه‌ای را از طریق جنگ نظامی شکست دهند، باید آن را با جنگ روانی و نوسان‌های عاطفی تضعیف کنند. خبری بد، شایعه‌ای از تفرقه میان سران قوا، اختلافی گزنده میان سیاستمداران یا حتی انتشار خبر یک خیانت واقعی یا ساختگی، کافی است تا دمای این ملت ناگهان پایین بیاید. آنها بر موج‌های سرد و گرم، دقیق سوار می‌شوند تا جامعه‌ای مقاوم را به جامعه‌ای مردد و شکننده تبدیل کنند. آیه ۱۴۰ سوره آل‌عمران به روشنی همین موضوع را نشان می‌دهد که نوسان‌های خبری و حوادث تلخ و شیرین، جزو طبیعت آزمون‌هاست. اما کسانی در این نوسان‌ها

فرهنگی و رسانه‌ای کشور همان کارهای دمه‌د و از پیش تعیین شده است. گویی با مدیرانی طرف هستیم که تصمیم دارند خیلی شیک و مجلسی پشت‌میزهای‌شان بنشینند و همچون دیپلمات‌ها با نماینگاری و بیانیته صالر کردن، واکنش‌هایی از سر رفع تکلیف نشان دهند. مثل همان خبری که چند روز پیش منتشر شد که مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی پیلیمی را به جشنواره‌های بین‌المللی فیلم ارسال کرد و آنها را به پوشش حمایت از «عدل و آزادی و محکومیت رژیم جنایتکار و کودک‌کش صهیونیستی» دعوت کرد. فارغ از اینکه این پوشش کجا برپا شد و قرار است جشنواره‌های خارجی چگونه به این پوشش ملحق شوند و کار کش در نظام بین‌المللی چیست، سوال اساسی‌تر این است: مگر بنیاد فارابی را رابط وزارت خارجه است که دلخوش به نماینگاری با جشنواره‌های بین‌المللی است و آیا واقعا این همه بضاعت یک دستگاه تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در سینمای ایران همین است و بس؟ بهتر نبود اهالی سینما و جریان‌ها و صنوف فعال سینمایی را برای راه‌اندازی چنین کمپین‌ی فعال می‌کردید؟

■ **چه باید کرد؟**

در یک نگاه تقلیل گرایانه به ساحت و کارکرد رسانه، وظیفه اطلاع‌رسانی درباره آنچه از ۲۳ خردادماه بر ملت ایران گذشته است را بر عهده خبرگزاری‌ها یا در بهترین حالت رسانه‌های برون‌مرزی می‌گذارند. به طور واضح با چنین نگاهی ظرفیت‌های متعدد جریان‌های فرهنگی و هنری نادیده گرفته می‌شود، در حالی که ما این روزها در معرض یک تهاجم ترکیبی از سوی دشمنان این خاک قرار داریم و لاجرم باید برای چنین وضعیتی نگاهی همه‌جانبه به قوای فرهنگی و رسانه‌ای داشت. پس در چنین شرایطی انتظار بی‌جایی نیست که هنرمند ایرانی در بیرون از مرزها، حداقل تصویر کودکان به خون غلغیده ایران را روی دست بگیرد و در ارتباط با هنرمندان جهانی، آنچه را بر سر مردم ایران می‌رود تبیین کند. اگر مدیران یا صنوف فرهنگی و هنری ما قائل به این باشند، ظلمی را که در جنگ ۱۲ روزه به ایران شده است باید به گوش جهانیان رساند و این از طریق هنرمندان جهانی قابل پیگیری است. پس چه بهتر طراحی‌هایی انجام شود تا از اعتبار و جایگاه هنرمند ایرانی برای بلند کردن فریاد مظلومیت مردم ایران کمک بگیرند. ضمن اینکه باید تلاش شود این فریادها فقط در محدوده مرزی ایران اگو نشود و منفذهای قوی به بیرون از ایران پیدا کنند. کمپین‌های رسانه‌ای با محوریت چهره‌های مشهور هنری طراحی شود و حتی با دعوت به یک چالش رسانه‌ای، فراخوانی برای هنرمندان بی‌خبر یا سکوت کرده، ارسال شود.

قطعه موسیقایی «علاج» از محسن چاوشی، در میانه‌های جنگ ایران با رژیم صهیونیستی، موجی از تحسین‌های محبت‌آمیز را نسبت به این هنرمند کشورمان به راه انداخت. محسن چاوشی که محبوبیتی بالا در میان چند نسل از علاقمندان موسیقی کشور دارد، با انتشار این قطعه روزه روجیه دادن به مردم، ماریج سکوت را شکست و ترس‌های ناخوداگاه و مخفی از مرزبندی با وطن‌فروشان را فرو ریخت. این اقدام او بیش از هر گروه و دسته دیگری، باعث حسادت و عصبانیت تعدادی از فعالان هنری برانداز شد که پس از سال ۱۴۰۱ از کشور خارج شدند و توقع داشتند که به عنوان قهرمانان و لیدرهای سیاسی مطرح شوند! حالا آنها خود را در موقعیتی می‌بینند که از هر لحاظ ورشکسته‌اند و به لحاظ روحی هم بسیار آسیب دیده‌اند. چند روز پیش خبر دروغی در فضای مجازی توسط سایبری‌های نفوذی دشمن منتشر شد که می‌خواست آن‌را از سر کار برداشی را پایین بیاورد و شجاعت او در این اعلام موضع صریح را زیر سوال ببرد. ادعا شده بود چاوشی برای خواندن این اثر ۳۵ میلیارد تومان پول گرفته است. اشکان خطیبی، یکی از هنرپیشه‌هایی که بعد از سال ۱۴۰۱ از ایران مهاجرت کرده و به گروه‌های برانداز پیوست، بلافاصله به این خبر جعلی واکنش داد و در تویتر نوشت: «۳۵۵ میلیارد تومان؟ آرزو من حساب کردن». محسن چاوشی هم در یک استوری اینستاگرام، با انتشار بخشی

در علم مکانیک جدامات و مهندسی مواد، برای افزایش استحکام فلزات گاه از روش‌های گرمادهی و سرمادهی متوالی استفاده می‌شود. فلز را تا جای ممکن داغ می‌کنند، سپس با سرعت سردش می‌کنند تا

ساختار درونی آن تغییر کند و مقاومتش بیشتر شود. این روش اما تا زمانی مؤثر است که «فلز» داشته باشد. اگر فلز بیش از حد باشد، یا اگر سرد شدن بیش از اندازه سریع و ناگهانی انجام شود، فلز به جای سخت شدن، ترک برمی‌دارد و شکننده می‌شود. تکرار بیش از حد این فرآیند، حتی مقاوم‌ترین فلزات را هم فرسوده و ناپایدار می‌کند. گویی همین قاعده درباره جوامع انسانی هم صدق می‌کند. جامعه‌های که پی‌درپی در معرض التهاب‌ها و شوک‌های خبری، سیاسی یا امنیتی قرار بگیرد، جامعه‌ای که مدام گرم و سرد شود، تاب‌آوری خود را از دست می‌دهد. نه اینکه مقاومت نداشته باشد اما این نوسانات



حافظ انستیتام